



سور سوریه

فارغ از اینکه امروز با ژاپن بازی داریم و نتیجه‌ی چی می‌شه، یادمون نره که ما مُردیم تا بردیم. یعنی حتی باخت مقابل چین نه تنها چیزی از ارزشمون کم نمی‌کنه. تازه خدا رو هم شاکریم که سوری‌ها اجازه دادن ما به همین مرحله برسیم که بتونیم با این چشم‌بادو میا بازی کنیم. جداز اینکه خودمون از نحوه بازی مقابل سوریه با اون نتیجه شوکه شده بودیم، حتی جاپنیا هم داشتن رُکب می‌خوردن. یعنی کلی نشستست بودن ما رو آنالیز کرده بودن، وسطای بازی موندن بودن چی کارکنن! همه برنامه هاشون رفته بود رو هوا. حتی جاپنیا هم داشتن برای برد ما دعا می‌کردن. خدا خیرشون بده الهی. به جز امروز، بقیه لحظات زندگی شاد باشن. خلاصه داشتیم می‌گفتم: ما همیشه طوری بازی می‌کنیم که حریف نمی‌تونه حرکت بعدی مون رو حدس بزنه؛ در این حد که هرکی نمی‌دونست ما اون شب با سوریه بازی داریم، اگه به صورت اتفاقی از جلو تلویزیون رد می‌شد، فکر می‌کرد بازی سال ۲۰۱۸ ایران و پرتغال‌ه که این قدر با هیجان و در سطح بالا و خیلی محتاطانه داره انجام می‌شه. در حدی بود که ما بعدش می‌خواستیم سور بدیم و درحالی‌که داشتیم به پهنای صورت اشک می‌ریختم، سخنان گهربار خیابانی رو هم گوش می‌دادیم. ولی خب این تیمی که ۱۲۰ دقیقه وقتمون رو گرفت، همین سوریه خودمون بود. حالا بماند که اصلا اون شب دروازه بانشون از ایگر کاسیاس هم بهتر بازی می‌کرد یا سردار ما معلوم نبود واسه کی بازی می‌کرد. ولی خب اینارو گفتم که برای امروز آماده باشین دیگه. ما همین‌که تونستیم سوریه رو حذف کنیم و از اون مرحله کذایی که هر دوره همون جا حذف می‌شدیم، رد بشیم، یعنی کار شاقی انجام دادیم و همین برامون بسه. دیگه با ژاپن توقعی نداشته باشین. ژاپنیا دقیقاً مثل تخمه هاشون هستن؛ قوی و قدرتمند. به این سادگی نمی‌شکنن. نبین چه ریزه، پاش بیفته بشکن ببین چه تیزه! البته که شاید هم این ترند قلعه‌نویی بوده تا جاپنیا خیالشون از بابت برد ما راحت بشه و دیگه بی خیال تاکتیک و تکنیک و این‌طور چیزا بشن و یهو ما خود واگعی مون رو اونجا نشون بدیم و اینا باز رُکب بخورن. خدای دونه. ولی هرچی هست، هرکار می‌خواین بکنین، هر اتفاقی که افتاد، لطف کنین چشمی رو دیگه توی ترکیب نذارین. مرسه.



صفحه ۲
۱۴ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۶۵

مازولوق
ارژنگ حاتمى

برویم در افق محو شویم!



متأسفانه برخی خبرگزاری‌ها همواره نیمه خالی لیوان را نگاه می‌کنند. به عنوان مثال، طرف حساب و کتاب کرده است که اگر یک نفر ۱۵۸ سال حقوقش را پس انداز کند، می‌تواند در تهران خانه بخرد.

اولاً که حساب و کتاب ایشان از ابتدا اشتباه است. زیرا هر سال حقوق ها ده بیست درصدی افزایش پیدا می‌کند؛ در نتیجه طرف خیلی زودتر از این حرف‌ها، مثلاً بعد از صد سال می‌تواند خانه داشته... ببخشید، الان از پشت صحنه اشاره‌گر ننکده اگر حقوق ده بیست درصد سالیانه افزایش می‌کند، از آن طرف قیمت مسکن هم سالی سی چهل پنجاه درصد بالا می‌رود... به نظرم بهتر است بی خیال این قضیه شویم. شما اگر غرضی ندارید، اصلاً چرا از این زاویه نگاه نمی‌کنید که قیمت مسکن در تهران سه برابر پاریس و نیویورک و سیدنی است و این یعنی یک نفر وقتی خانه‌ای در تهران دارد، یعنی خیلی مایه دارتر از مردم شهرهای خارجی است؟ ثانیاً چه کسی گفته باید ده‌هه خانه دار باشند؟ از قدیم هم گفته‌اند: «اچاره نشین خوش نشینه». اگر همه خانه داشته باشند، دیگر چه کسی خانه‌اش را به دیگری کرایه دهد؟ به این ترتیب شغل صاحب خانه بودن و مستأجر داشتن کلاً از بین می‌رود. بعدش شما می‌آیید جواب سفره خالی صاحب خانه‌ها را بدهید؟ در همین راستا به نظر می‌رسد حالا که نمی‌توانیم همه را خانه دار کنیم، بهتر است کار «فرهنگی انجام دهیم و مردم را با مزایای مستأجر بودن آشنا کنیم. به عنوان مثال بگویم: «هزینه تعمیرات و نگهداری ساختمان برعهده مستأجر نیست و از پرداخت مالیات و عوارض نیز معاف هستند...». حالا این وسط شاید کمی سخت باشد که طرف نصف حقوقش را کرایه خانه بدهد که آن هم راهکاری منطقی و ایضا ریشه‌ای دارد. اگر این مشکل پیش آمد، می‌توانیم فرت و فرت در شبکه‌های تلویزیونی زیرنویس بزنیم که: «صاحب خانه مشتی باش، جان عزیزت کرایه را زیاد نکن!» مطمئناً این روش جواب می‌دهد و همه می‌توانیم دور هم به خوبی و خوشی زندگی کنیم.

راستی! تا یادم نرفته است، بگویم به تازگی در تهران خانه‌هایی که ادعا می‌شود ضد زلزله است، متری یک میلیارد فروخته می‌شوند. یعنی یک خانه هشتاد متری ۸۰ میلیارد تومان! اگر اجازه بدهید، بروم در افق محو شوم!

کُخ تو رُخ
منصورہ احمدی

اختتامیه جشنواره اسباب بازی



نمایشگاه اتواکسیپو با حضور وزیر صمت



نشست خبری وزرای امور خارجه ایران و پاکستان



افتتاحیه چهل و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر

